گفت و گو با دختران برتر کنکور سال ۸۴

تلاش و اعتماد به نفس، رمز موفقیت

عکس های شش دختر در صفحه اول روزنامه چشم هر بیننده ای را خیره می کند. نفرات اول تا سوم کنکور در رشته هنر، نفرات اول و دوم کنکور در رشته ریاضی، نفر اول رشته علوم تجربی در کنکور امسال را دختران به خود اختصاص داده اند. این درخشش نمونه دیگری از تلاش و کوشش زنان و دختران جامعه در سال های اخیر در عرصه های علمی است. وقتی پای صحبت تک تک این دختران می نشینیم متوجه می شویم که آنان نه تنها با اعتماد به نفس و تلاش بسیار موفقیت خود را به دست آورده اند، بلکه از ایمان و توکل و توجه به ارزش های دیگر نیز غافل نمانده اند. شنیدن حرف های دختران برتر کنکور برای دختران دیگر این جامعه که در پی رسیدن به جایگاه های بالاتری هستند، می تواند راهگشا باشد.

دختری از جنس آسمان

*** از خودت بگو**

– من رایکا خورشیدیان در آذر ماه سال ۶۵ به دنیا آمدم. فرزند اول هستم. یک برادر دارم. پدرم پزشک و مادرم خانه دار است.

*** در مدارس دولتی درس خوانده ای یا غیرانتفاعی؟**

– دبستان، راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه دولتی و در پیش دانشگاهی بود که از رشته ریاضی فیزیک تغییر رشته دادم و به علت علاقه زیادی که داشتم پیش دانشگاهی را در مدرسه غیرانتفاعی و رشته هنر گذراندم.

*** کلاس کنکور یا معلم خصوصی داشته ای؟**

– هیچ وقت معلم خصوصی نداشته ام. در کلاس های کنکور مدرسه ام شرکت می کردم البته نه در تمام درس ها بلکه درس هایی را که احساس می کردم نیاز دارم.

*** خانواده با تغییر رشته ات مخالف نبودند؟**

– من از سال اول دبیرستان به هنر علاقه داشتم ولی خانواده ام مخالفت می کردند سه سال دبیرستان را در رشته ریاضی فیزیک خواندم. سال آخر تغییر رشته دادم. من از سال اول دبیرستان به خوبی درس خوانده بودم.

*** چند ساعت در روز درس می خواندی؟**

– روزهایی که از مدرسه دیر به خانه می آمدم و روزهایی که زودتر می آمدم را با برنامه ریزی و با توجه به توان و انرژی ام در آن روز سعی می کردم از وقتم به طور کامل استفاده کنم.

*** سال آخر چطور برای کنکور درس خواندی؟**

– امتحان تغییر رشته تابستان گذشته بود. چهار کتاب مهم باید برای امتحان می خواندم سعی من بود که از انرژی ام هر روز به طور کامل استفاده کنم.

*** تفریح می کردی؟**

– تفریح هم می کردم. سعی من بر این بود که تفریح ام هنری باشد. موزه خیلی رفتم. تمام موزه های تهران را در سال آخر چند بار رفتم. تفریح من در ارتباط بادرس ام بود.

*** فکر می کردی این رتبه را به دست آوری؟**

– در طول سال سطح من طوری بود که همه می گفتند در کنکور اول می شوی و من می دانستم رتبه ام یک رقمی می شود.

*** چه زمانی متوجه شدی سوم شده ای؟**

– شب قبل از اعلام نتایج از سازمان سنجش تماس گرفتند و به من گفتند سوم شده ام.

*** در آن لحظه چه احساسی پیدا کردی؟**

– خیلی هیجان زده نشدم. چون این احساس را قبل از آن برای خودم تصور کرده بودم ولی از اینکه نتیجه زحماتم را دیدم خوشحال شدم.

*** خانواده ات چه میزان در این موفقیت تو نقش داشت؟**

– خانواده ام قبل از تغییر رشته ام مخالف بودند ولی در دوران تحصیل با توجه به اطلاعاتی که کسب کرده بودم راضی و امیدوار بودند.

*** چه رشته ای را انتخاب کرده ای؟**

– طراحی صنعتی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران.

*** از این که امسال دختران رتبه اول و سوم بسیاری از رشته ها را در کنکور کسب کردند چه احساسی داری؟**

– خیلی خوشحال شدم. چون دختران بیشتر تلاش می کنند و اگر اعتماد به نفسشان بالا برود حتماً موفق می شوند. چون به نظر من اعتماد به نفس پایین است که باعث عدم موفقیت شان می شود.

*** زنان برای به دست آوردن جایگاه حقیقی خود در اجتماع باید چه کار کنند؟**

– مشکل این است که زنان خودشان زنان دیگر را قبول ندارند و حتی ترجیح می دهند در کلاس کنکور هم معلمشان مرد باشد و همدیگر را باور ندارند.

*** چه آرزویی داری؟**

– اعتقادم به خدا بیشتر شود و بتوانم آرزوی موفقیت همه را بکنم.

*** آخرین هدف؟**

– رسیدن به خدا.

*** چه رنگی را دوست داری؟**

– همه رنگ ها بخصوص سبز و آبی، ولی همه رنگ ها کنار هم زیبا هستند.

*** آخرین کتابی که خواندی؟**

– کتاب شور زندگی که مربوط به زندگی ونگوگ است. آخر کتاب خیلی غم انگیز است. ونگوگ همیشه در نقاشی هایش گل آفتابگردان می کشیده است و پس از مرگ او خاک ونگوگ تبدیل به گل آفتابگردان می شود. او سعی می کرده است که همواره کشاورز را به زمین وصل کند و اعتقاد داشته است که همه چیز از روح واحد تشکیل شده است. من احساس کردم تمام دنیا روح واحد است و جزیی از حقیقت مطلق که خداست و نقاشی های او واقعی تر از واقعیت است.

*** اگر پرنده بودی؟**

– به آسمان نگاه می کردم و می دیدم آدم های سبک می توانند پرواز کنند. وقتی وابستگی نباشد پرواز امکانپذیر است.

*** به کسانی که قصد شرکت در کنکور سال آینده را دارند چه توصیه ای داری؟**

– باید هنگام امتحان تصور کنند همان آزمون های همیشگی را می دهند. امسال سؤالات کنکور غیراستاندارد بود. من خیلی راحت با این مسأله کنار آمدم و فکر کردم بقیه هم شرایط مرا دارند و نترسیدم. نباید از کنکور ترسید باید بچه ها راحت تر باشند تا نتیجه بگیرند.

دختری با نگاه آبی

*** خودت را معرفی کن.**

– مرضیه پرنده غیبی هستم. اصالتاً اهل کرمان هستم ولی در قم بزرگ شده ام. پدر و مادرم استاد دانشگاه هستند و برادرم دانشجوی رشته برق است.

– در مدارس دولتی درس خوانده ای؟

– دبستان را در مدرسه نمونه مردمی و از راهنمایی در مدرسه فرزانگان تحصیل کردم.

*** کلاس کنکور یا معلم خصوصی داشته ای؟**

– نه. به کلاس کنکور و معلم خصوصی احتیاجی نداشتم چون معلمان ما خیلی کامل تدریس می کردند.

*** چند ساعت در روز درس می خواندی؟**

– وقتی مدرسه می رفتم ۵-۶ ساعت درس می خواندم و در تعطیلات ۱۱ ساعت مطالعه می کردم.

*** فکر می کردی این رتبه را به دست آوری؟**

– من برای رتبه یک رقمی خوانده بودم و احتمال می دادم.

*** کی متوجه رتبه ات شدی؟**

– یک روز قبل با تماس سازمان سنجش.

*** چه احساسی داشتی؟**

– خوشحال شدم.

*** و خانواده ات چه عکس العملی از شنیدن رتبه ات نشان دادند؟**

– عکس العمل خاصی نبود، خوشحال شدند.

*** از چه سالی برای کنکور درس خواندی؟**

– تا سال سوم دبیرستان برای المپیاد می خواندم. پارسال از باشگاه دانش پژوهان جوان مدال نقره گرفتم. ولی از اول مهر برای کنکور خواندم.

*** خانواده چه اندازه در کسب این موفقیت نقش داشت؟**

– خانواده به من خیلی روحیه می داد و به من می قبولاندند که توانایی اش را دارم. آرامش برایم ایجاد می کردند. خانه را به محیطی علمی و درسی تبدیل کرده بودند.

*** انتخاب اول تو در دانشگاه؟**

– رشته برق دانشگاه صنعتی شریف.

*** از اینکه دختران جایگاه بیشتری را در کنکور امسال در میان برترین ها داشتند چه احساسی داری؟**

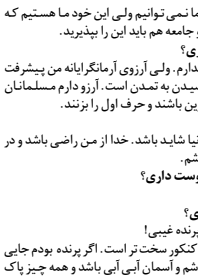

– خوشحالم که دختران موفق بودند. البته خانم ها قبل از این هم نقشی مهم در جامعه داشته و خواهند داشت. این مسأله ای طبیعی است. تلاش مهم است شاید جامعه فکر کند که ما نمی توانیم ولی این خود ما هستیم که می دانیم می توانیم و جامعه هم باید این را بپذیرید.

*** چه آرزویی داری؟**

– آرزوی خاصی ندارم. ولی آرزوی آرمانگرایانه من پیشرفت کشورمان ایران و رسیدن به تمدن است. آرزو دارم مسلمانان بتوانند در جهان برترین باشند و حرف اول را بزنند.

*** آخرین هدف؟**

– مربوط به آن دنیا شاید باشد. خدا از من راضی باشد و در برابرش سرافکند نباشم.

*** چه رنگی را دوست داری؟**

– آبی

*** اگر پرنده بودی؟**

– پرنده ام دیگر. پرنده غیبی!

ولی سؤالاتتان از کنکور سخت تر است. اگر پرنده بودم جایی می رفتم که خودم باشم و آسمان آبی آبی باشد و همه چیز پاک باشد با دنیایی بدون ریا.

*** آخرین کتابی که خواندی؟**

– نشت نشا.

*** چه توصیه ای به کنکوری ها داری؟**

– بستگی به شخصیت و هدف بچه ها دارد که می خواهند چه نقشی را در آینده داشته باشند. نباید ناامید شوند و ایمان و توانایی هایشان را حفظ کنند و بدانند چیزی دارند که هیچکس ندارد در این صورت موفق می شوند. زیرا در سایه آرامش و تلاش و کمک از خدا موفقیت به دست می آید.

دختری از جنس باران

*** از خودت بگو.**

– زینب پیمانی هستم. شهریور سال ۶۶ در شیراز به دنیا آمده ام. پدرم کارمند و مادرم مدیر است. سه فرزند هستیم. خواهرم دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه شیراز و برادرم دانشجوی برق دانشگاه شیراز است

*** در چه مدارسی تحصیل کرده ای؟**

– دبستان مدرسه دولتی و بعد فرزانگان (تیزهوشان) درس خوانده ام.

*** معلم خصوصی داشته ای یا در کلاس کنکور شرکت کرده ای؟**

– در شیراز برای درس ریاضی و فیزیک کلاس کنکور رفتم.

*** از چه زمانی برای کنکور درس خواندی؟**

– از دوران راهنمایی و دبیرستان من زیاد درس می خواندم پارسال روزی ۳-۲ ساعت درس می خواندم تا آخر تابستان به روزی ۶ ساعت رسید. در سال تحصیلی به ۱۰ ساعت رسید و این اواخر ۱۲ ساعت شد.

*** فکر می کردی این رتبه را به دست آوری؟**

– می دانستم رتبه خوبی خواهم داشت ولی فکر نمی کردم اول بشوم.

*** کی فهمیدی این رتبه را به دست آوردی؟**

– از طریق یکی از دوستانم فهمیدم از شبکه خبر شنیده بود.

*** چه احساسی پیدا کردی از موفقیتی که کسب کرده بودی؟**

رشته ریاضی فیزیک
۱- مریم السادات میرکمالی ۲- مرضیه پرنده غیبی ۳- هومن دمرجیلو
رشته علوم انسانی
۱-روزبه جباری زاده ۲- سجاد افشار ۳- میلاد اعلایی
رشته علوم تجربی
۱-زینب پیمانی ۲- حامد وحیدی ۳- مرصاد مهرنهاد
رشته هنر
۱- تارا فاتحی ایرانی ۲- آوا فتحی ۳- رایکا خورشیدیان
رشته زبان
۱-سیده مهرآسا علیزاده ۲- غیاث الدین علیزاده ۳- سیدعلی هاشمی فرد

– من فکر می کردم رتبه ام یک رقمی است. قرار بود اگر خبری شد، مدیر مدرسه به من خبر بدهد. وقتی خبری نشد ناامید شدم ولی زمانی که مطلع شدم که چه رتبه ای را کسب کرده ام از خوشحالی گریه کردم و شوکه شده بودم. من و خانواده ام در آن لحظه دورهم بودیم و همه خدا را شکر کردیم.

*** چه رشته ای انتخاب اول توست؟**

– پزشکی شیراز.

*** چرا دانشگاه تهران اولین انتخاب تو نبود؟**

– مادر و پدرم از عوامل موفقیت من بودند نمی خواهم از آنها دور شوم. می توانم در شهر خودم با امکانات کمتر موفق باشم و در کنار خانواده ام باشم.

*** خانواده چه نقشی در موفقیت تو داشت؟**

– مادر در برنامه ریزی ها خیلی کمکم می کرد پشتکارم را مدیون مادرم و اعتماد به نفس و آرامش را مدیون پدرم هستم.

*** موفقیت دختران به عنوان برترین های کنکور امسال چه احساسی را در تو به وجود آورد؟**

– خوشحال شدم که رتبه اول رشته ریاضی فیزیک دختر بود. من فکر می کنم دختر و پسر با هم فرق ندارند مهم تلاش است. هر کسی می تواند با تلاش قابلیت های خود را نشان دهد.

*** زنان چگونه می توانند به جایگاه واقعی خود در جامعه برسند؟**

– مهمتر از هر چیزی این است که عصمت و حجاب خود را حفظ کنند در این صورت در تمام زمینه ها موفق می شوند.

*** و آرزو؟**

– تا لحظه ای که زنده هستم به مردم محروم جامعه خدمت کنم.

*** چه رنگی را دوست داری؟**

– آبی

*** آخرین هدف؟**

– رضایت امام زمان (عج) را جلب کنم.

*** تاثیرگذار ترین کتابی که خواندی؟**

– داستان سیستان نوشته رضا امیر خانی. این کتاب داستان سفر رهبری به سیستان و بلوچستان است که از دیدی متفاوت نگاه شده است. من خیلی چیزها را با خواندن کتاب حس کردم. من قبلاً هم رهبرم را دوست داشتم ولی الآن این علاقه بیشتر شده است.

*** اگر پرنده بودی!**

– می رفتم مشهد روی گنبد طلای امام رضا(ع) می نشستم و لذت می بردم.

دختری از سرزمین نور

*** از خودت بگو**

– مریم السادات میرکمالی راینی هستم. اصالتاً کرمانی هستم. در آذرماه سال ۶۵ به دنیا آمده ام. پدرم مدیر بخش صنعت دریایی صنایع الکترونیک شیراز و مادرم دبیر دینی و قرآن است. برادرم محصل و خواهرم ۴ ساله است.

*** درچه مدارسی تحصیل کردی؟**

– دبستان شاهد و بعد فرزانگان.

*** معلم خصوصی - کلاس کنکور رفتی؟**

– هیچ کدام.

*** برای کنکور چند ساعت درس می خواندی؟**

– اوایل سال کمتر بود ولی کم کم زیاد تر شد از ۸ ساعت به ۱۲ ساعت و بعد به تدریج دوباره آن را به ۱۰ ساعت رساندم. اوایل سال درسی را می خواندم که در آن روز به طرف آن درس کشش داشتم و از قاعده خاص پیروی نمی کردم ولی به دروس اختصاصی و تست خیلی اهمیت می دادم.

*** فکر می کردی این رتبه را کسب کنی؟**

– به تک رقمی اصلاً فکر نمی کردم.

*** چطور با خبر شدی از موفقیت ات؟**

– روز اعلام نتایج دوستانم در اینترنت دیده بودند. در کرمان بودم که خبرم کردند.

*** و احساس تو در آن لحظه؟**

– وقتی باورم شد، کم کم خوشحال شدم که می توانم به دیدار رهبری بروم.

*** به اولین کسی که گفتی؟**

– مادر و دایی ام کنارم بودند. متوجه و خوشحال شدند. من به آنها گفته بودم احتمال رتبه تک رقمی را نمی دهم و آنها با شنیدن خبر موفقیتم، هیجان زده شدند. پدرم شیراز بود. با او تماس گرفتم. کم کم باور کرد، برای او هم غیرمنتظره بود.

*** از چه سالی خودت را برای کنکور آماده کردی؟**

– به قصد کنکور از مهرماه امسال. قبلاً به کنکور فکر نمی کردم برای المپیاد می خواندم و مدال نقره کشوری را هم گرفتم.

*** نقش خانواده ات در موفقیت تو چقدر بود؟**

– خیلی مؤثر بودند. آنها روی من فشار نمی آوردند. احساس نمی کردم کنکور می دهم، با اختیار و علاقه خودم درس می خواندم، آرامش داشتم و این دو خیلی مؤثر بودند.

*** نخستین انتخاب؟**

– مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف.

*** دختران برتر کنکور امسال چه احساسی را به تو بخشیدند؟**

– خوشحال کننده است، بخصوص اینکه در رشته ریاضی می گویند دخترها نمی توانند. دختران نشان دادند این طرز فکرها را باید کنار گذاشت.

*** جایگاه واقعی زنان چگونه به دست می آید؟**

– متأسفانه مدتی است عده ای زنان با ظاهر درست در جامعه حضور پیدا نمی کنند. زن وقتی اینگونه ظاهر می شود، ارزش واقعی خود و دیگر زنان را با این حرکت زیر سؤال می برد. زنان ارزش خود را باید بالاتر از این بدانند و خود را باور کنند. زن موجودی با ارزش است و نباید خود را زیر سؤال ببرد.

*** چه آرزویی داری؟**

– نقشی در حکومت جهانی امام زمان (عج) داشته باشم.

*** آخرین هدف؟**

– در زمینه علمی و معنوی پیشرفت کنم و به مردم و انقلاب خدمت کنم و دین ام را به شهدا بخصوص دو عموی شهیدم ادا کنم.

*** چه رنگی مورد علاقه توست؟**

– سبز - آبی.

*** تاثیرگذارترین کتابی که خوانده ای؟**

– در دوران دبیرستان چند بار کتاب روسری به سرها را خواندم. این کتاب مربوط به دختران آلمانی بود که در دوره دبستان یکی از آنان با حجاب به مدرسه می رود و دوستش دل در برابر او موضع می گیرد، ولی کم کم ارتباط و تأثیر حجاب او بر دیگر بچه ها تا جایی می رود که آنها که اعضای تیم فوتبال مدرسه بودند، وقتی می بینند مسؤولان مدرسه به دوست باحجاب شان اجازه بازی در تیم را نمی دهند، همه روسری سر می کنند و هیچ کدام در مسابقه فوتبال و زمین بازی حاضر نمی شوند.

*** چه توصیه ای برای کنکوری ها داری؟**

– اگر کسی امسال شکست خورد، باید سعی کند اعتماد به نفس خود را به دست بیاورد. آدم باید در هر لحظه قدرت خود را پشت سر خودش ببیند تا موفق شود. در سال تحصیلی باید با تلاش و پشتکار جلو برود و خود را باور داشته باشند. از واجبات شان هم غافل نشوند، چون باعث می شود خدا به آنها کمک کند.

*** و اگر پرنده بودی؟**

– می رفتم حرم امام حسین (ع) یا امام رضا(ع) و بالای گنبد می نشستم و از فضای معنوی آنجا لذت می بردم.

دختری از جنس حضور

*** خودت را معرفی کن.**

– تارا فاتحی ایرانی متولد تیر سال ۶۶ پدرم کارمند ایران خودرو است و مادرم مهندس راه و ساختمان. یک خواهر دارم که دانشجوی رشته پلیمر دانشگاه پلی تکنیک است.

*** درچه مدارسی تحصیل کردی؟**

– در مدارس دولتی و از سال دوم دبیرستان تا پیش دانشگاهی در مدرسه ای غیرانتفاعی.

*** کلاس کنکور می رفتی؟**

– در دروس اختصاصی.

*** چند ساعت در روز برای کنکور می خواندی؟**

– اوج آن به ۱۱ ساعت می رسید، ولی میانگین روزی ۸ تا ۹ ساعت درس می خواندم.

*** از چه سالی برای کنکور خواندی؟**

– من کنکوری درس نمی خواندم. آهسته و پیوسته درس می خواندم. طوری درس می خواندم که در یادم بماند.

*** فکر می کردی این رتبه را به دست آوری؟**

– فکر نمی کردم یک باشم. فکر می کردم زیر ۱۰ باشم.

*** کی متوجه شدی؟**

– ۱۱ مرداد بود که تلفنی به من خبر دادند.

*** چه احساسی داشتی؟**

– کم خوشحال شدم. اطرافیان و خانواده ام بیشتر خوشحال شدند.

*** خانواده ات چقدر در کسب این موفقیت نقش داشت؟**

– خیلی نقش داشتند. محیط خانه آرام شده بود و همه کمکم می کردند هر کاری که لازم بود را برایم کردند.

*** رشته انتخابی؟**

– تئاتر. به خاطر تئاتر درس خوانده بودم، وگرنه قبول نمی شدم.

*** چه احساسی از برتری دختران در کنکور امسال داشتی؟**

– ذوق کردم، ولی برایم دختر و پسر فرقی نمی کند، ولی درخشش دختران برتر در رشته ریاضی برایم جالب بود.

*** زنان چگونه به جایگاه واقعی شان می رسند؟**

– با اعتماد به نفس. نباید فکر کنند با مردان فرقی دارند. همان کاری را که مردان انجام می دهند، آنها هم می توانند انجام دهند.

*** چه آرزویی داری؟**

– موفق شوم در رشته ای که قصد تحصیلی در آن را دارم.

*** چه رنگی مورد علاقه توست؟**

– آبی.

*** تاثیرگذارترین کتابی که خوانده ای؟**

– جاودانگی و یا هستی اثر میلان کوندرا. هر جمله این کتاب حس متفاوتی به من داد که برایم جالب بود.

*** چه توصیه ای به کنکوری ها داری؟**

– با علاقه درس بخوانند فکر نکنند به زور باید درس خواند. دلیلی ندارد ۱۰ ساعت در روز بدون علاقه درس بخوانند ولی اگر ۵ ساعت می خوانند باعلاقه باشد. کنکور کار یک سال خواندن نیست باید از بیخ و بن اهل بود.

*** آخرین هدف؟**

– بازیگر موفقی شوم هر چند که شاید در آینده اهداف بزرگتری پیدا کنم.

*** و اگر پرنده بودی؟**

– به همه جا سفر می کردم تا ببینم چه خبر است.

دختری از جنس افق

*** از خودت بگو**

– آوا فتحی هستم. در ۱۵ فروردین ماه ۱۳۶۵ در تهران به دنیا آمدم. پدرم فوق لیسانس حسابداری است و مادرم دیپلمه و کارمند یک شرکت تجهیزات پزشکی است و تنها فرزند خانواده هستم.

*** دوران دبستان تا دبیرستان چه مدارسی رفتی؟**

– دوران ابتدایی در مدرسه دولتی، دوره راهنمایی در نمونه مردمی و مقطع دبیرستان در غیرانتفاعی درس خوانده ام.

*** برای موفقیت در کنکور از کلاس های کنکور و یا معلم خصوصی استفاده کرده ای؟**

– از مهرماه سال ۸۳ تا تیرماه امسال که کنکور داشتم دروس اختصاصی و عمومی به جز زبان انگلیسی را در مؤسسه ای گذراندم و تنها رسم فنی را به صورت نیمه خصوصی کار کردم.

*** در چه سالی و در چه رشته ای دیپلم گرفتی؟**

– در سال تحصیلی ۸۲-۸۱ و در رشته ریاضی فیزیک.

*** برای کنکور چند ساعت در روز و چگونه درس می خواندی؟**

– به نظر من اینکه چند ساعت در روز وقت می گذاشتم درست نیست چون دیگران با این الگو به نتیجه نمی رسند بستگی به ظرفیت هوشی و پیش زمینه افراد دارد. من کم کم ساعات را زیاد کردم. اوایل ۶-۵ ساعت در روز درس می خواندم و اواخر به ۱۲-۱۱ ساعت در روز رسید. من زمینه آن را قبل از عید نوروز داشتم اما بیشترین تلاش من بعد از عید بود.

البته شاید ساعات مطالعه من خیلی در میزان موفقیت من مؤثر نبود. من فکر می کنم مهم ترین عامل موفقیت من علاقه ام به این رشته بود.

*** فکر می کردی این رتبه را بدست بیاوری؟**

– می دانستم رتبه ام خوب می شود اما رتبه دوم را فکر نمی کردم.

*** چه زمانی از رتبه ات مطلع شدی؟**

– دو روز قبل از اعلام نتایج کنکور از سازمان سنجش تماس گرفتند و در مورد بیوگرافی و وضعیت خانوادگی ام سؤال کردند. نگران شدم. فکر کردم شاید مدارک ام ناقص بوده وقتی گفتند رتبه دوم را بدست آورده ام زبانم بند آمد و نتوانستم هیچ صحبتی بکنم.

*** از چه سالی خودت را برای شرکت در کنکور آماده کردی؟**

– از تابستان سال ۸۳ تصمیم به تغییر رشته گرفتم و از مهرماه برای کنکور برنامه ریزی کردم.

*** خانواده چه نقشی در موفقیت شما داشتند؟**

– به نظر من نقش خانواده خیلی مشخص و بزرگ است. خانواده ام خیلی ملاحظه می کردند تا محیط خانه آرام نگه دارند. آنها دست به دست هم دادند چون می دانستند در آن زمان فشار کنکور زیاد است. مادرم بیشتر در محل کار می ماند تا من تنها باشم و درس بخوانم.

*** نخستین رشته انتخابی ات در دانشگاه چه بود؟**

– اولین انتخاب گرافیک و بعد موسیقی و طراحی صنعتی.

*** از اینکه دختران در کنکور امسال چهره های برتر اول تا سوم را داشتند چه احساسی داری؟**

– طبیعتاً خوشحالم اما تمایزی بین آنها قائل نیستم. من همه جوانها را یک جور می بینم و دختر و پسر فرقی ندارد. اینکه دختران مصمم اند به هدفشان برسند خیلی خوب است اما نگرانم که پسران کمتر موفق بوده اند چون ممکن است در آینده مشکلاتی بوجود آید.

*** زنان و دختران برای رسیدن به جایگاه واقعی شان چه باید بکنند؟**

– باید اراده داشته باشند. ابتدا مشخص کنند از خودشان چه می خواهند و بعد مصمم باشند. چرا که انسان اگر اراده کند می تواند به خواسته اش برسد.

*** چه آرزویی داری؟**

– دلم می خواهد به عنوان یک هنرمند اثری ارائه دهم که روی انسان های دوره بعد هم تأثیر بگذارد و حتی نسل های بعد بتوانند با آن احساس رابطه برقرار کنند.

*** آخرین هدف؟**

– هدف داشتن، مرز ندارد. هر هدفی داشته باشی هدف دیگری بالاتر از آن قرار می گیرد. همین باعث می شود زندگی انسان جریان داشته باشد.

*** اگر پرنده بودی چه کار می کردی؟**

– به جای دوری می رفتم، تا خود خورشید، تا آسمان.... چون همیشه هدفم را خیلی دور قرار می دهم.

*** تاثیرگذارترین کتابی که خوانده ای راجع به چه موضوعی بود؟**

– کتاب تاریخ هنر مدرن نوشته آرناسون که به عنوان یک مرجع در مورد اثرهای هنری متفاوت از هنرمندان با سبکهای مختلف از آن استفاده می کردم و به عنوان منبع، کار مرا راحت می کرد.

*** چه رنگی را دوست داری؟**

– عاشق رنگ قرمزم. چون قرمز نماد شور، انرژی، انقلاب و اشتیاق است.

*** چه توصیه ای برای کنکوری های امسال داری؟**

– توصیه می کنم بر حسب علاقه و توان رشته خودشان را انتخاب کنند چون در این صورت حرکت به سمت هدفشان برایشان آسان تر است. آنها هدفشان را دور قرار دهند نه نزدیک تا اگر به هدف نرسیدند لااقل در مسیر به جایی برسند.